

نتیجه گیری جر و بحث ها روی الفبای زبان شغنائی در ظرف پنج ماه

نویسنده: نوروز علی ثابتی

تاریخ: 09/می / 2011

فیض آباد، بدخشان

بنام خداوند جان و خرد کزین بر تر اندیشه بر نگذرد

به اطلاع عموم خوانندگان و مرور کنندگان سایت وزین شغنان می رسانم که تخلص مرحوم فتح علی شاه را اشتباهاً در مقاله قبلی ام "گلزار" نوشتم. بعداً، متوجه شدم که این اشتباه قلمی از من سر زده است. مرحوم سید فتح علی شاه در اشعارش "گلریز"، "اسیر"، "اسیری"، و "فتح علی" تخلص نموده است.

مقاله قبلی ام تا اندازه ای طویل است و شاید دوستان ما وقت پیدا نمی کنند که آنرا سراسر مرور کنند. در اینجا لب لباب نوشته و پیشنهاد خود را دوباره می نویسم تا خواننده اصل مطلب را در طی دو الی سه برگه دریافت کند.

لب لباب جر و بحث ها و پایان دادن به اعتصاب الفبا سازی

طی مدت پنج ماه (از ماه جدی سال 1389 تا ماه ثور 1390) دوستان و عزیزان ما نظریات شان را پیرامون الفبای شغنائی طرح نمودند. نظریات همه دوستان استماع گردیدند، و بعد از مشاهده دقیق و نقد عمیق تمام نظریات، من دو نظر را از همه جامع تر یافتم، و این دو نظر جامع را در اینجا تلفیق می نمایم، می شود که به بحران الفبا و الفبا سازی خاتمه بخشیده شود و نویسندگان ما مصروف دیگر کار های ادبی گردند.

من در نوشته هایم، از واژه «اختلاف نظریات» دیگر کار نمی گیرم، و در عوض، واژه «متفاوت» را جایگزین این واژه می نمایم.

در این اواخر، محترم دوکتورانت نور علی دوست، الفبای پژوهشی شان را نشر نمودند، من مقاله پژوهشی مشار الیه را خواندم که خیلی جامع به نظر رسید.

الفبای مطروحه محترم دوکتور خوش نظر پامیرزاد هم نسبت به طرح دیگر دوستان جامع است.

بخاطر اینکه، الفبای خود را تکمیل نماییم، تفاوت های این دو شخص را برجسته ساخته، و با ارائه نظریات اینجانب، الفبای خود را تکمیل نماییم. بخاطری که من الفبای اینها را جامع گفتم ولی کامل نگفته ام.

اگر آقای نور علی دوست، نویسه های (ی، و، ے) را در الفبای خود وارد می کرد، بهترین الفبایی می بود، که دیگر هیچ چالشی در آن راه نمی یافت. با وجود آنهم، الفبای شان معقول به نظر می رسد.

آقای پامیر زاد هم در الفبای شان سه مشکل دارند.

1. برای آوا های (dh) و (th) نویسه های معینی را انتخاب نکرده است، و از همان نویسه (ذ) و (ث) کار می گیرد که صدای (z) و (s) را می دهند. پیشنهاد می نمایم که از همان نویسه های آقای دوکتورانت نور علی دوست که عبارت بودند از نویسه (ب) و نویسه (ث)، کار گرفته شود.

" دقیقاً کار برد : (ذ) و (ث)، برای مقصدی که ما و شما ها در زبان شغنی داریم، هرگز بر آورده نمیتوانند تا زمانی که تغییری در آنها به میان نه آید، به ویژه به گونه ای که شما آنها را مطرح می نمایید و من با هر دوی این نویسه های انتخاب شده شما و نور علی دوست نظر مثبت دارم."

2. برای آوا های کسره کشیده (ـ + ه) و یای مجهول تفاوت قایل نگردیده است. این هم چندان مشکل به نظر نمی رسد. من این معضله را بار ها با مثال های روشن توضیح نمودم، و این بار جهت مثال در اینجا یک مورد را بیان می نمایم. مثلاً آقای پامیرزاد واژه « مِهست = مهتاب » را « مِست » می نویسد. و یا « خِهَر » (برادر زاده) و « خِیر » (لغو، فسخ) را هر دو با یای مجهول می نویسد، بدین ترتیب مانند: (خِیر)

" اصلاً من با این نوشتن محترم پامیرزاد بینش دیگری دارم، زیرا هم از دیدگاه نظام آوا شناسی، (فونولوژی)، و هم از دیدگاه زیبا شناسی زبانی و زیبا نویسی و مأنوس بودن و مأنوس پذیری در واژه نگاری و واژه شناسی نیز دارای گونه نه چندان قابل پذیرش است. لذا خیلی ها خوب است اگر **مهست و خهر (مهتاب و برادر زاده) نوشته شوند، خیلی ها معقول و قابل خوانش بهتر هستند."**

3. واژه های مختوم به آوای کسره کوتاه را با نویسه (ی) می نویسند، اگر این نویسه را به یای کج بنویسند، مشکل خواندن تا حدی مرفوع می گردد.

" در اصل هر یایی که نوشته شود، باز هم مشکوکیت را ایجاد خواهد کرد، به استثنای یای کجی که شما در نظر دارید و در نوشته های تان بکار می برید باعث از میان برداشتن همه مشکوکیت های در موجودیت یا ها خواهد شد و هم خیلی خوانا، در اول، و به ویژه در آخر واژه ها خواهد شد. از این سبب من طرفدار این یایی را که شما به نام یای کج نامیده اید، میل بیشتر دارم و معقول تر هم است، زیرا از هم یا هایی که در مجموع بکار می بریم تفاوت دارد و ترسیم کننده خیلی ها خوب نویسه ای است که در زبان شغنائی میتوان بکار برد.

4. در قسمت نوشتن آوای کشیده (ü) من در مقالات قبلی هم اظهار نظر نمودم، که آقای پامیرزاد آنرا به شکل (و) می نویسد، و آقای دوست آنرا به شکل (و~) پیشنهاد نموده است. این هر دو نویسه ترکیبی هستند. اگر از یک نویسه ساده مانند (و) و یا (و) که هر کدام دارای یک کد واحد در سیستم یونیکود هستند، انتخاب شوند، خوبتر خواهد بود.

" در این قسمت من شخصاً میخواهم بگویم که هر سه نویسه قرار دادی هستند که صورت می گیرد، و هیچ کدام شان از مطلقیت برخوردار نیستند، اما، ما و شما باید معقول ترین و ساده ترین و زیبا ترین را انتخاب کنیم که به نظر شخصی من (و) همان کشندگی ای را که ما در زبان روسی، اردو، فرانسوی، ترکی، اوزبکی، کچی، سندی، گجراتی و سایر زبان ها به شمول شغنائی داریم، به گونه خیلی ها خوب و نغز میرساند. و بعد آن میتواند به گونه (و) نیز نوشته شود، اما در واقعیت به اندازه او با الف رسا، معقول و مأنوس نخواهد بود" لذا (و) از همه زیبا تر و فهما تر و تعیین کننده تر است."

5. در قسمت نوشتن نویسه هایی که برای واکه کشیده بکار می روند، آقای دوست از نماد کمکی مد (~) کار می گیرد. این کار برد در بعضی حالات مشکلات خود را دارد. پس همان نویسه انتخابی پامیرزاد (- + ه) و (- + ه) درست است.

"تنها یک تفاوت دارد، و آن اینکه پا میرزاد قوانین کسره، فتحه، ضمه زبان عربی را ترجیح داده است که کار بدی نیست، ولی نور علی دوست چون با دوستان دیگری این کار را به سر رسانده است و آنها با زبان های روسی، انگلیسی، فرانسوی و کردی آشنایی دارند، لذا از قوانین آن زبان ها در علامه سازی استفاده کرده اند که من این علامه را در روسی، به نام (اودارینیه)، در

انگلیسی (سترس)، در عربی خج، و در فارسی فشار یاد میکنیم، برایم تنها شکل اش بهتر به نظر میرسد و جمله و عباره را نیز زیبا تر ارایه می نماید." 6. در قسمت نویسه برای آوای (v)، همان نویسه آقای پامیرزاد را تغییر نمی دهیم. در این قسمت شاید آقای دوست هم موافقت داشته باشد.

نتیجه گیری کلی

اگر آقای پامیر زاد سه اصل فوق الذکر را بپذیرد، دیگر کدام مشکلی در قسمت الفبا نخواهیم داشت. و آنها عبارتند از قبول نمودن دو نویسه از نویسه های پیشنهادی محترم نور علی دوست برای او ا های (dh) و (th) و فرق گذاشتن میان آوای کسره کشیده و یای مجهول، و چاره جویی برای واژه های مختوم به واکه کوتاه (e) که من حرف یای کج را برایش پیشنهاد نمودم. دیگر کار را چرا به درازا بکشانیم.

اما آقای پامیر زاد تمام بار را بر دوش استاد خیر محمد حیدری می اندازند. در حالیکه با جناب ایشان تفاوت نظری داشته است. یک ضرب المثل عام است که می گویند: « والله و بالله در گردن ملا»، حالا تمام مسئولیت را بر گردن حیدری می اندازند.

پیشنهاد من این است که آقای پامیر زاد تمام نظریات دوستان را با جناب حیدری در میان بگذارد. میشود که جناب ایشان از این جر و بحث ها مطلع نیست، و فردا ادعا نکند که از این مسایل و گفتمان ها خبر نداشته است. من شخصاً شماره تیلیفون شان را ندارم، وگرنه با ایشان در تماس می شدم. آقای ظهوری بمن پیشنهاد نموده است، که باید به وزارت معارف بروم و این مشکل را با ایشان در میان بگذارم. نظریه خوبست، اما تمام کار و بار و رسمیات من در بدخشان است، اگر وقت یافتم همین کار را می کنم. اما چرا آقایان صبار، پامیرزاد و دیگر دوستان مقیم کابل که گاه و بیگاه به تارنمای سیمای شغنان سر میزنند، چرا جناب حیدری صاحب را آگاه نمی سازند!!!

امید وارم که با در نظر داشت سه اصل فوق الذکر به اعتصابات الفبا سازی پایان بخشیم با تقدیم احترامات فایقه برای تمام عزیزان و مرور گران این مقاله.

یاد داشت:

من قبلاً نیز پیشنهاد مشابه ای را نموده بودم و لی تا حدی رد عمل نداشت، و اینک آخرین پیشنهاد شما، که باید هم در شکل خویش جهت ساختار نظام رسم الخط زبان شغنانی، فرجامین باشد و بدون تردید برای انکشاف و تصحیحات بعدی همواره جای و ظرفیت باقی خواهد ماند، دوستان باید بیشتر از این نه خود، نه شما ها، و نه هم

علاقه مندان به دنیا آمدن مجدد رسم الخط تجدید شده را و خواننده های خویش را در انتظار بیشتر قرار ندهند بلکه باید عملاً داخل اقدام شوند، و چیزی را پیشکش نمایند. در غیر آن نمیدانم چگونه باید عرض کرد که نباید عمر کاری بعدی خود را تنها در این گونه جر و بحث ها سپری کنیم و زمان را از دست دهیم ، و باید از گفتار خیلی ها معروف استفاده کرد که میگویند: ارزش تیوری زمانی از اهمیت بر خوردار خواهد بود که در عمل پیاده شده بتواند و یا جامه عمل را به تن کند، در غیر آن نه تنها اینکه از زبان شغنانی چیزی را به آموزش خواهیم نشست، بلکه زبان و ادبیات زیبا و ماندگار فارسی- دری را نیز از دست خواهیم داد و با زبان انگلیسی که امروز با تأسف فراوان زبان سیاست ، اقتصاد، فرهنگ، تعلیم و آموزش ، کار یابی ، به شمول نظامی گری شده است که باید نمی بود، از دست خواهیم داد و در برابر مخالفین، منافقین و حتی و موافقین خویش سروش ناکامی را پذیرا خواهیم شد و در شیرازه اخلاقیات محدود اندیشه خویش در محدوده خیلی ها محدود کوه های شغنان باقی خواهیم ماند.

به امید پیروزی و بهروزی شما

پوهندوی پیکار